

کلمه

داستان‌نویسی به شیوه مفتاحی



محمد مفتاحی که او را به کتاب‌های شعرش و نیز به پژوهش‌هایش درباره شعر و داستان‌نویسی می‌شناسیم قرار است برای دانش‌آموزان، کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی برپا کند.

به گزارش جام‌جم، در این کلاس‌ها که در دو سطح مقدماتی و پیشرفته برگزار خواهد شد، قرار است روند کشف استعداد‌های نویسندگی نیز صورت بگیرد. مفتاحی از جمله سه کتاب شعر، یک کتاب در نقد داستان‌های احمد محمود و چند اثر تحقیقی و پژوهشی دیگر در حوزه ادبیات منتشر کرده است. این کلاس‌ها در ترم تابستان قرار است دوشنبه‌ها و چهارشنبه‌ها در پژوهش‌سرای دانش‌آموزی ناحیه ۲ کرج (پژوهش‌سرای کوثر) برگزار شود. مدیر این پژوهشسرا فاطمه محمدی است.

دنگ

روز میلاد فرزاد فرخ در راه است

فرزاد فرخ در آخرین کنسرتش که دوشنبه برگزار شد، از انتشار قطعه جدید با نام «روز میلاد» و نیز از تمدید کنسرت تهران در روز ۲۴ مرداد خبر داد. روابط عمومی موسسه فرهنگی هنری آوازی نو درباره آخرین کنسرت این خواننده جوان اطلاع داده: این کنسرت با حضور مهمانانی چون حمید استیلی از بازیکنان پیشکسوت تیم ملی و باشگاه پرسپولیس، حمید هیراد، علی رهبری و آراین بهاری خوانندگان گروه پازل، کمند امیرسلیمانی بازیگر سینما و تلویزیون، راغب و میلاد هارونی و رضا پرستش بدل لیونل مسی برگزار شد.

عطف

انتشار ترجمه تازه‌ای

از دن کیشوت

انتشارات قدیانی ترجمه تازه‌ای از رمان دن‌کیشوت اثر میگل سروانتس را منتشر کرده‌است. فارس درباره این خبر نوشت: شهلا انتظاریان این رمان ماندگار را ترجمه کرده است. دن کیشوت یکی از قدیمی‌ترین رمان‌هایی است که در تاریخ ادبیات شناخته شده و بسیاری از نویسندگان از این کتاب الگو گرفته‌اند. قسمت ابتدایی این رمان حدود ۴۰۰ سال پیش به چاپ رسیده! «سروانتس» با خلق این رمان به شهرت رسید و هنوز بعد از گذشت چهار قرن یکی از مهم‌ترین نویسندگان رمان جهان لقب دارد.

دن کیشوت، داستان دوست‌داشتنی یک شوالیه ماجراجو و عجیب و غریب به نام دن کیشوت و دستیار صادقش سانچو پانچو است. دن کیشوت امروزه یکی از ماندگارترین و اثرگذارترین شاهکارهای ادبی جهان است. از دن کیشوت به نام انجیل بشریت یاد می‌شود و بیش از ۴۰۰ سال است که نسل‌های مختلف در سراسر دنیا با این کتاب ارتباط برقرار کرده‌اند و هنوز نیز در زمره برطرفدارترین کتاب‌ها به شمار می‌رود.

داستان دن کیشوت درباره سرگذشت مردی به نام الونسو کیخانو است. کیخانو یک نجیب‌زاده معمولی است که پس از خواندن داستان‌های بی‌شمار درباره شوالیه‌های ماجراجو، تحت تأثیر شجاعت و دل‌آوری این افراد قرار می‌گیرد و تصمیم می‌گیرد خود نیز یک شوالیه شود.

کیخانو پس از این تصمیم نام خود را به دن کیشوت مانچا تغییر می‌دهد و سوار اسب بارکش خود به نام روسینا ننه می‌شود و از روستایی ناشناخته در قلب اسپانیا به راه می‌افتد تا زشتی‌ها و بدی‌ها را از بین ببرد و از حقوق ستم‌دیدگان دفاع کند. با پیش رفتن داستان آنچه آن را جذاب و خواندنی‌تر می‌کند، شوخ‌طبعی و گفته‌های بامزه شخصیت اصلی داستان یعنی دن کیشوت است. به عنوان مثال او آنجهان اسیر توهمات و رویاهای خود شده است که کاروانسراها را با قلعه‌های افسون‌شده اشتباه می‌گیرد.

این کتاب در ۳۵۲ صفحه، تیراژ ۱۱۰۰ نسخه و با قیمت ۴۵ هزار تومان از سوی نشر قدیانی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت.

«داش آکل» در صف تئاتر شهر

حسن باستانی، کارگردان تئاتر از آماده‌سازی نمایش «داش آکل» برای اجرا در تئاتر شهر خبر داد و به فارس گفت: منتظر هستیم برای این کار نوبت اجرا دریافت کنیم. این نمایشنامه پر بازیگر خواهد بود و براساس داستان داش آکل اما با نگرش جدید به داستان روایت می‌شود.

باستانی در اجرای این نمایش هم از بازیگرانی که همیشه با آنها همکاری داشته، استفاده خواهد کرد.



برای این‌که یکطرفه قضاوت نکرده باشیم از چند مسیر تلاش کردیم تا به شهردار رشت برسیم که متأسفانه هیچ‌کدام منجر به مقصد نشد



آقای شهردار! نسخه صوتی‌اش هم هست

راستی به‌ظاهر بی‌ربط است، اما بگذارید این را هم بگوئیم که علیرضا افتخاری هم شعری خوانده با همین عنوان کتابی که آقای شهردار به دست دارد یعنی «صبح‌تان به خیر مردم» و آن را در آلبوم «شب‌کوچه‌ها» گنجانده است. غزل، همان غزل علیرضا قزوه است



#شوخی



علاوه بر واکنش‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی و از جمله توئیتر، شوخی‌های متعددی هم با تصویر آقای شهردار کتاب به‌دست صورت گرفته است. از جمله این شوخی‌ها ارتباط دادن این نمایش ریاکارانه با نزدیکی انتخابات است

شهرستانی با «آگوست: اوسیچ کانتی» می‌آید

میکائیل شهرستانی قصد دارد در ادامه تجربیات خود با حضور هنرجویان جوان، نمایش «آگوست: اوسیچ کانتی» را از اول دی در خانه نمایش مهرگان روی صحنه ببرد. مهر درباره این خبر نوشت: نمایشنامه «آگوست: اوسیچ کانتی» نوشته تریسی لئس، توسط آراز بارسقیان ترجمه شده است. این نمایش از اول دی در خانه نمایش مهرگان روی صحنه می‌رود و تا پایان همین ماه ادامه خواهد داشت.



کار عجیب شهردار رشت بایک تاکسی، یک کتاب و یک عینک آفتابی چه نکاتی را یادآوری و ما را با چه حقایقی روبه‌رو می‌کند؟

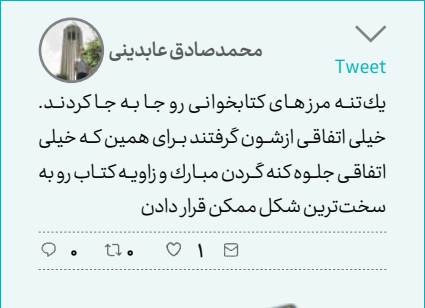
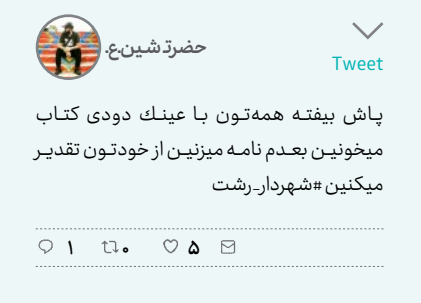
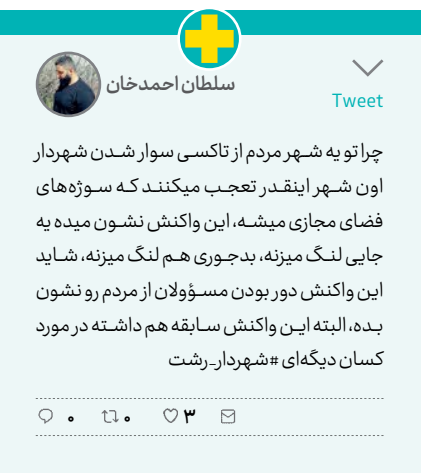
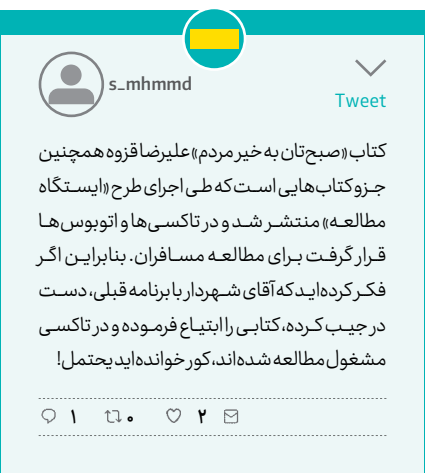
نگرانی برای قوز قرنیه آقای شهردار

تصویر کتابخوانی ناصر حاج محمدی در حالی که لبخندی به لب و عینک آفتابی به چشم دارد و انگار برای عکاس ژست گرفته، واکنش‌های مختلفی را برانگیخته است؛ واکنش‌هایی که کلیدواژه اغلب‌شان عوام‌فریبی و ریا به کتابخوانی است

واکنش‌ها

#آرتروز گردن، #قوز قرنیه یا شهرداری با رشت‌های متفاوت

همان‌طور که گفتیم واکنش‌ها به انتشار تصویر شهردار رشت مختلف بوده است؛ هم منفی و هم مثبت. البته واکنش‌های مثبت بیشتر با این موضوع‌گیری همراه است که آقای شهردار هم یکی است مثل ما و ما هم اغلب مثل او رفتار می‌کنیم، بنابراین واکنش‌های دسته دوم نیز عمل آقای شهردار را تأیید نمی‌کند.



یادآوری ۲

در شهرداری رشت چه خبر است؟

نمی‌دانیم چرا! با انتشار تصویر شهردار کنونی رشت، یاد یکی دیگر از شاهکارهای صدرنشین پیشین ساختمان شهرداری رشت افتادیم. البته می‌دانیم چرا یاد او افتادیم اما خب حالا... بماند. احتمالاً خاطرات هست که چندی پیش، فرامرز جمشیدپور که آن وقت سرپرست موقت شهرداری رشت بود طی نامه‌ای از خودش تقاضا کرده بود که یک واحد مسکونی در اختیارش قرار بگیرد و خودش متعاقباً با درخواست خودش موافقت کرده بود. اخیراً هم شنیده شد که شهردار یکی از مناطق شهرداری رشت طی نامه‌ای از خودش تقاضا کرده بود که با اعطای عنوان کارمند نمونه به خودش موافقت کند که کرده بود خب! در شهرداری رشت چه خبر است؟

چه کتابی می‌خواند آقای شهردار؟ می‌خواند؟!

خب کتابی که آقای شهردار به دست دارد، «صبح‌تان به خیر مردم» نام دارد؛ گزیده غزل‌های علیرضا قزوه. عنوان کتاب احتمالاً از یک سطر از شعر «غزل مستی» شاعر که پیش از این در کتاب «شبلی و آتش» شاعر هم آمده بود، انتخاب شده که می‌گوید: «با دل شکسته رفتم رو به مشرق تبسم/ ناگهان رسیدم اینجا، صبح‌تان به خیر مردم!» باقی بیت‌های این غزل و اغلب غزل‌های این کتاب هم همین‌طور با دل‌شکستگی همراه است و هیچ معلوم نیست آقای شهردار این لبخند را که بر لب نشانده با خواندن کدام یک از این غزل‌ها تحصیل فرموده‌اند!

کتاب‌ها آمدند زندگی ما را تغییر دهند بدبخت‌ها نمی‌دانستند روزگاری سر می‌رسد که بشوند آلت ریا. آنها ذاتاً با هر بدی از جمله با همین ریا قرار بود مبارزه کنند و از ما آدم‌های بهتری بسازند اما حالا رجب زده‌ایم به‌شان. این ریکی که زدیم، یاد این می‌افتم که هوشنگ آزاد یور شاعر و مترجم یک بار در مذمت سرمایه‌داری حرف جالبی می‌زد؛ می‌گفت: «این شلوارهای پاره هست حالا جوان‌ها می‌پوشند؟ اینها یا ایده‌هیپی‌گری و برای اعتراض به شق و رقی سرمایه‌داری اومد، اما حالا مهم‌ترین سرمایه‌داران که برنده‌های تولید پوشاک تاسیس کرده‌ن اینها رو تولید می‌کنند و می‌پوشونن تن مردم. فکرش رو بکنید یک ایده‌ویک معنا رو چطور از درون خودش تهی کرده‌ن.» حالا اینجا و آنجا می‌بینید که ملت ترجیحاً در کتابفروشی‌های لوکس جلوی ردیف کتاب‌ها عکس‌های مکش مرگ‌ما می‌گیرند و اینجا و آنجا منتشر می‌کنند. دور از جان‌تان باشد طبعاً درباره‌همه کس سخن نمی‌گوییم و از آنها می‌گوییم که کتاب را کرده‌اند ملعبه دست ریاکاری‌شان و مفاخره به سبکی از زندگی که مطلقاً اهلس نیستند. شاید عکسی که چندی پیش، محمدرضا گلزار، بازیگر سینما در یک لوازم‌التحریرفروشی از خودش در حال تورق کتاب منتشر کرد، ما را به شوق به کتاب‌ها حساس تر کرده است؛ او حتی حواسش نبود که آنجا نه یک کتابفروشی که یک فروشگاه نوشت‌افزار است و کتابی هم که به دست داشت نه برای مطالعه که برای تماشای بود؛ کتاب عکس‌های لوکاس فلزمان از پرواز گروهی و متراکم پرندگان. شوق‌اف یا نمایش ریگ‌گونه، همیشه و همه‌جا بوده و حالا مدت‌هاست به جان کتاب‌ها هم افتاده. در تازه‌ترین تظاهر به کتابخوانی، تصویری از شهردار رشت منتشر شده و سروصدا به پا کرده‌است.

اصل ماجرا

کتابخوانی در خیابان‌های رشت با شرکت تاکسی، راننده و مسافران!



به‌تازگی تصویری از تاکسی‌سواری ناصر حاج محمدی، شهردار رشت در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شده و حواشی و واکنش‌های انتقادی فراوانی را باعث شده است. در این تصویر، شهردار رشت ظاهراً قصد دارد با تاکسی به محل کارش برود و کتابی به اسم «صبح بخیر مردم» در دست دارد و طوری وانمود می‌کند که عکس بدون اطلاع او ثبت شده است، اما نحوه کتاب دست‌گرفتن و زاویه سرو گردن و لبخندی که بیشتر به کار ژست عکاسی می‌آید تا کتابخوانی و از همه عجیب‌تر عینک آفتابی که به چشم دارد، سبب شده تا کاربران شبکه‌های اجتماعی، این عکس را محصول تظاهر آقای شهردار به کتابخوانی در نظر آورند. در تصویر راننده تاکسی و یکی از مسافران را هم می‌بینیم که صورت‌شان نشان‌دهنده این است که علاقه چندانی به مشارکت در پروژه عکاسی آقای شهردار ندارند.

یادآوری ۱



یاد شما هم افتادیم آقای شهردار بندرعباس یا؛ احضار کریستوفر نولان به جنوب ایران!

خب بدیهی است که تصاویر و ویدئوهای متعددی از چنین بزنه‌های ریاکارانه را پیش از این از مسؤولان سراغ داشته‌ایم. اما اجازه بدهید از این میان فقط به یکی از سابق درخشان مسؤولانمان اشاره کنیم؛ به اثر هالیوودی و درخشان عباس امینی‌زاده شهردار بندرعباس. اگر از بین این همه فرازهای درخشان ریاکارانه، ابتدا بند کردیم به شهردار رشت و حالا هم در حال یادآوری کار درخشان شهردار بندرعباس هستیم به این دلیل است که اولی با کلیدواژه کتاب به صفحه

ادبیات و هنر ما مرتبط است و دومی با کلیدواژه سینما. آن هم چه سینمایی؛ بتمن! بهمن سال گذشته بود که شهرداری بندرعباس با انتشار تیزری از شهردار این شهر سوژه شوخی کاربران شبکه‌های اجتماعی شد. در این تیزر هالیوودی، امینی‌زاده شهردار در حالی با چکمه‌های زرد برای رفع مشکلات نقاط آگیر سطح شهر مقتدرانه گام برمی‌داشت و دستور می‌داد که کارگران در نزدیکی‌اش با دمپایی در آب قدم می‌زنند. مهم‌تر از این، موسیقی متن این تیزر بود که از آهنگ فیلم «بتمن» ساخته معروف و تحسین‌شده کریستوفر نولان در آن استفاده شده بود. آقای شهردار با آن چکمه‌هایش با صلابت در شهر قدم می‌زد و موسیقی پرتنطنه بتمن، زیر گام‌هایش ضرب برمی‌داشت! فکرش را بکنید....